

اخبار دروغ درباره ی آریاسب باوند به منظور غیر امنیتی کردن زندگی وی در ایران
آریا اسبه...



آریا اسبه، نامی است که داریوش افشار بر روی مزدور رژیم
آریاسب مغان باوند زاده گذاشته است

خبرگزاری جمهوری اسلامی) ایرنا (در تاریخ ۹۷.۱۰.۲۶ اعلام کرده است که "آریاسب مغان باوند زاده " به ۲۲ سال زندان محکوم شده است .وی سرکرده ی گروهک تروریستی و تجزیه طلب پانکرد موسوم به " حزب اتحاد شوراهای استانی "بوده است که وی خود این حزب خودخوانده را به وجود آورده و دبیر کلی دائم العمر آن را نیز بر عهده داشته است.

من که خود از اندکی پس از آغاز به کار این حزب، به عنوان" مسئول روابط عمومی و بین الملل " آن حزب فعالیت می کردم، در تمام آن مدتی که در ترکیه بودم، آریاسب باوند را به همراه مادر، پسر و همسرش در خانه ام پناه داده بودم و آنها برای مدتی بیش از سه ماه را در خانه ی من در استانبول به سر می بردند.

من پس از آنکه روابط وی با فردی به نام" غلامرضا محمدی "را بررسی کردم، متوجه رفتارهایی از وی شدم که یک فرد سیاسی نمی توانست چنان باشد، از اینرو، به شرایط وی و در حالی که با دوست دخترش که از ایران آمده بود، در ترکیه و به واسطه ی غلامرضا محمدی، عقد شرعی اسلامی را جاری کرده، اما مستند نمی شود و از آنجا که همسرش برای تمديد اقامتش در ترکیه نیاز به ترک خاک از ترکیه داشته و در وی به ایران رفته و باز می گردد، در حالی که پیش از آن و در همه ی این مدت، آریاسب باوند مشغول فعالیت های معمول خود در تلگرام بوده است، متوجه آن شدم این رفتارها نمی تواند از سوی کسی انجام گیرد که به راستی پناهنده ی سیاسی بوده و جانش بنا به روایت خویش، در خطر باشد.

از اینرو، به محض خروج از ترکیه و رسیدن به خاک سوئد، علیه او اقدامات تجزیه طلبانه اش و اینکه وی به احتمال بسیار قوی یکی از مزدوران دست پرورده ی اطلاعاتی رژیم می باشد، دست به افشاگری ویژه زد.

رژیم سرانجام در گفتگویی تلویزیونی با وی، بدون آنکه کوچک ترین اشاره ای به این مورد کرده باشد که وی هم اکنون دستگیر شده و آیا بر اساس آنچه که اعتراف می کند، دچار اشتباه شده و آیا بخشیده می شود یا نه، موضوع را در همین خبر گم و بدون نتیجه گیری به پایان می رساند و در آن مستند خود که به عنوان "آریاسب" از شبکه ی خبر تلویزیون رژیم پخش شد، بخشی از گفتگوی من با وی را نیز نشان داد که به معرفی خود می پردازد.

سرانجام جمهوری اسلامی اما تصمیم خود را گرفت و آن این بود که اعلام کند آریاسب باوند فرزند "سیروس"، به بیش از بیست سال زندان محکوم شده است تا پرونده ی وی را رسماً ببندد و او را از حیطه ی کنجکاوی ها بر سر اینکه سرانجام وی چه شده است، خارج کند.

من بر این باورم که این توطئه ای از سوی دستگاه های اطلاعاتی رژیم می باشد و وی همچنان آزاد است.



گفتگوی آریاسب باوند با من (داریوش افشار (که در منزل من در ترکیه انجام گرفته است

آریاسب باوند چند ماه پیش از پیوستن من به آن حزب که آن را سپس "حزب کزا" می خواندم، آغاز به یارگیری و پیدا کردن افرادی در برون مرز گرفته بود و از کسانی که تشنه ی فعالیت علیه رژیم و از عاشقان شاهزاده "رضا پهلوی" بودند، مجموعه ای را زیر عنوان "راهبران استانی" تشکیل داده بود که ضمن معرفی الزامی نام واقعی خویش به وی، از آنها شماره تلفنی را درخواست می کرد که تلگرام آنها بر پایه ی آن روی گوشی سوار شده است.

بدین روش بود که سپس آگاه شدم شمار بسیاری از هموندان آن حزب از جمله "سالار خدادادی" اهل ارومیه که نوجوانی پر شور و شاگرد مغازه بود نیز، دستگیر شده است که وی یکی از مدیران تلگرامی حزب بود. فرد دیگری که وی نیز با وجود داشتن فرزند و اینکه خود نان آور خانه بود، با توحش دستگاه های امنیتی رژیم روبرو شده و ضمن یورش به خانه ی مسکونی آن بانوی محترم، وی را بازداشت کرده و به انفرادی اطلاعات منتقل می کنند و نمونه های دیگری از این دست که هتا به شکلی ناگهانی تماسشان با من بازایستاده شد و از بی خبری نسبت به آنها، احتمال دستگیری آنها را می دهم.

با روانی رنجور از آنچه که در پی این رویدادهای بسیار غمبار رخ داده است، با همه ی کسانی که صادقانه در راه آزادی کشور و مبارزه با ولایت فقیه، دست به فعالیت زده و از راه سیاه چاله ی آریاسب باوند، به تله ی نیروهای اطلاعاتی رژیم افتاده اند، ابراز همدردی و هم دلی می کنم.



کارت درخواست پناهجویی آریاسب باوند از
ملل متحد در ترکیه



نامه ی آریاسب باوند به رایزنی آلمان در ترکیه به منظور دریافت اقامت،
در حالی که در همان زمان مشغول فعالیت های تلگرامی بوده است

پس از آنکه آریاسب باوند به منظور اقامت گرفتن اقامت پناهندگی در ترکیه به ملل متحد پناه برده بود، و در حالی که ملل متحد اقلیم کردستان عراق از پذیرش وی سر باز زده و او ناچار به رفتن به ترکیه می شود، به قصد گرفتن اقامت آلمان، از راه هموندی در مجموعه ی "عرفان حلقه" که همسرش یکی از آموزش دیدگان آن محفل بوده است، از راه درخواست نوشتار متن درخواست از من و تحویل آن به رایزنی آلمان در ترکیه، نیتش برای خروج از ترکیه به هر روشی را پیش من رسوا می کند، در حالی که وی پیوسته دم از براندازی و مبارزه با رژیم می زد.

مجموعه کانال هایی که حزب اتحاد شوراهای در تلگرام راه انداخته بود، به سه کانال اصلی و چار گروه تلگرامی محدود می شد که کانال "همگام با شاهزاده "و" شیر و خورشید"، بیشترین میزان دنبال کنندگان را داشتند که در مجموع به ۱۴۰ هزار نفر می رسید.

روشنی که "ایرج مصداقی "در برنامه ی خود با" میهن تی وی "انجام داده است، منشی از مزدوران اطلاعاتی رژیم" روح الله زم"، "امید دانا "را بیان می کند که می توانم بگویم عین همین روش را آریاسب باوند نیز پیاده می کرد.

در واقع، اپوزسیون سازی جمهوری اسلامی دارای آبشخوری یکسان است و آن شیوه ی کارکرد و واکنش پذیری بالای مزدورانش می باشد. محال است که شما سخنی علیه آنها بگویید و دست به افشاگری بزنید و با پاسخ آنها روبرو نشوید و موج حاشا کردن ها به راه نیفتد. فرار رو به جلو و هوچی گری و تخریب شخصیت طرف مقابل، شیوه ای است که همه ی مزدوران رژیم از آنها بهره می گیرند.



افشاگری های من در کانال "افشاگری "در تلگرام، شامل مقاله های بسیاری است که با اسناد تصویری و ویدیویی نوشته شده اند. همه ی آنها هم اکنون در نشانی زیر قابل دسترسی می باشند:

افشاگری در تلگرام
افشاگری در ف.بوک

در کانال تلگرامی افشاگری، می توانید نوارهای ضبط شده و نیز تصاویر مستند هر یک از افشاگری ها و نیز تحلیل رویدادها را بخوانید.



اعلام برانت شاهزاده رضا پهلوی از مزدور رژیم آریاسب باوند در پاسخ به پرسش یکی از کاربران اینستاگرام



تاکید دوباره ی شاهزاده رضا پهلوی مبنی بر برانت از مزدوران صادراتی رژیم همچون آریاسب باوند

اعلام برائت شاهزاده رضا پهلوی از مزدور رژیم آریاسب باوند نیز، سند محکم دیگری در تشخیص درست ایشان مبنی بر نفوذی بودن وی در میان اپوزوسیون می باشد و این افشاگری ها از سوی شاهزاده در حالی انجام گرفته بود که "سید علیرضا نوریزاده" کی معلوم الحال لندن نشین، نه تنها از جمله کسانی بود که پس از مدتی ۱، اکنون مشغول پر و بال دادن و معرفی و جااندازی مدحی ۲ که آریاسب باوند باشد بود، که سپس پس از آنکه دستگیری وی از سوی تلوزیون رژیم اعلام می شود، با وقاحت ویژه ی آخوندی، یک شبه زیر همه چیز زده و دیوار حاشایش به قدری بلند است که همه ی آنچه که خودش گفته بود را کتمان می کند:



بیانه ی شورای ملی علیه مزدور رژیم آریاسب باوند

همچنین دفتر سیاسی وقت شاهزاده "رضا پهلوی" موسوم به "شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد"، که ایشان فرنشینی آن را در آن وقت بر عهده داشتند، علیه وی نیز دست به افشاگری زده بود و با انتشار بیانیه ای که در تارنمای شاهزاده رضا پهلوی نیز منتشر شده و پس از خروج ایشان از شورای ملی، از روی تارنمای شخصی شاهزاده برداشته می شود (اینجا)، آریاسب باوند به عنوان یکی از نفوذیان و مزدوران رژیم شناسایی می گردد.



همچنین تلوزیون "ایران آریایی" نیز که "کمپین بازگشت شاهزاده" را به راه انداخته بود، در کانال تلگرامی خود با همین عنوان و با سخنان افشاگرانه ی فردی به نام "سعیدی"، نسبت به مزدور رژیم آریاسب باوند دست به افشاگری های خوبی زد.

آریاسب باوند برای من چند مورد را بیان کرد که پیشتر در مقاله های جداگانه ای نیز بدانها پرداخته ام و برای روشن شدن علت وجودی این مقاله، ناچار به بیان دوباره ی آنها هستم.



درخواست آریاسب باوند از تارنمای حزب خودخوانده ی پان ایرانیسم حکومتی مبنی بر هموندی در آن سازمان، در حالی که وی خود را یکی از یاران هیتلر معرفی کرده است

یکی اینکه وی از پدر خویش و تبار خود بسیار سخن می گفت و خوی نژاد پرستی آریایی وی تا بدان حد بود که خود را یکی از "یاران هیتلر" می دانست و بدین قرار، در تماس با حزب خودخوانده ی "پان ایرانیست"، عین همین مطالب را برای سرکردگان آن حزب خودخوانده نقل می کند و خواستار هموندی در تشکیلات پان ایرانیسم حکومتی می گردد. در این میان، در نزد من از پدر خود "سیروس باوند زاده" در حالی نام می برد که وی را به عنوان خلبان خصوصی آخوند" قرائتی "معرفی کرد و مگر می شود که از خلبانان ارتش شاهنشاهی باشی و نسبت به حکومت پادشاهی وفادار مانده باشی، اما نه تنها تو را دستگیر و محاکمه نکنند، که تبدیل به آجوان و خلبان شخصی یکی از آخوندهای بلند پایه ی رژیم نیز بشوی؟!

اینها همگی مواردی بودند که مرا به شدت نسبت به وی بدبین ساخته و بوی خیانت او به مردم و چهره سازی دروغینش به عنوان اپوزوسیون برانداز، هر روز برایم بیشتر آشکار می شد.

روابط او با بسیاری از افراد را به شکلی مستند گردآوری کرده ام تا در صورت لزوم، از سوی من یا از جایی دیگر، در وقتی که نباید، منتشر شوند.



روزبه مشکین خط هفت خط دبیر کل دو حزب خودخوانده و اینترنتی ایران سرفراز و کردستان سرفراز و افشای گپ های ف .بوکی وی با آریاسب باوند



گفتگوی روزبه مشکین خط سرکرده ی حزب ایران سرفراز و حزب کردستان سرفراز با روزنامه ی جناح راستی و بنیادگرای رژیم به نام "یالثارات"

پیوند به گفتگوی روزبه مشکین خط با روزنامه ی حکومتی جناح راست و بنیادگرای رژیم به نام "یالثارات" .

مورد دیگری که وی مشت دروغش را باز می کرد و اینها در زمانی روی داد که من دیگر در ترکیه نبودم، آوردن و معرفی کردن دو چهره ی اصلاح طلب حکومتی در کانال ها و گروه های تلگرامی حزب کزا بود .این دو نفر به نام های" روزبه مشکین خط "که همچنان در ایران آزادانه فعالیت دارد و هتا با" زینا تهرانی "در برنامه ی" با مردم "در تلویزیون کانال یک شهرام همایون، حضور می یابد و دیگری" کیان برزگر "ساکن کاناداست که وی نیز پیشتر از هموندان نفوذی رژیم در شورای ملی بوده است که پس از مدتی نیز از آن شورا اخراج می گردد.

روزبه مشکین خط که خود را اصلاح طلب تندروی جمهوری خواه و یک مصدق الهی می خواند، با آریاسب باوند گفتگوهای متعدد تلگرامی انجام داده است و همچنان نیز در برنامه ی زینا تهرانی در کانال یک شهرام همایون، حاضر شده و گفتگو می کند .وی خود را مدیر مسئول یا دبیر کل دو حزب اینترنتی به نام های" ایران سرفراز "و" کردستان سرفراز "معرفی می کند و در حالی آریاسب باوند در ترکیه با وی در تهران گفتگوی تلگرامی می کرده است، او خود را نه برانداز رژیم که یک اصلاح طلب تندرو و جمهوری خواه مصدق الهی معرفی می کند، اما طرف مخاطبش که آریاسب باوند بوده باشد، خود را یک برانداز شاهنشاهی و از هواداران شاهزاده رضا پهلوی معرفی می نماید!!!!



همراهی رضا) کوروش (ضرابی با آریاسب باوند تا
واپسین لحظات دستگیری فرضی در ایران

هر دوی این اصلاح طلبان حکومتی، یکی در تهران و دیگری در کانادا، جمهوری خواه هستند و آریاسب باوند که لاف شاه دوستی و هواداری از شاهزاده را می زد، با آوردن و معرفی کردن آنها، چهره ی اصلی خود را به همه نشان داده بود و جالب آنجا بود که موج تحمیق و مغزشویی وی از توده های بی خرد پیرویش تا بدان حد شدید بود که با همه ی این رویدادها و آماج افشاگری هایی که انجام می دادم، نه تنها سرفن شمار اندکی به خود آمدند و تقریباً همه دنبال او دویدند که هتا نزدیک ترین سرکردگان آن حزب کزا از جمله "علی حسن نیا"، "محمد صالحی بختیاری"، "داریوش کوشکی" و "رضا ضرابی"، تا لحظه ی آخر اجازه دادند تا وی از آنها نهایت بهره کشی را انجام دهد.



فردی به نام پیمان سلاحی از همکاران آریاسب باوند در سوئد، مشغول دروغ زنی و ارتکاب به جرم تهمت و افترا علیه من در ف. بوک که با نویستارهای آریاسب باوند و محمد صالحی بختیاری در پایین آن، قابل مشاهده است



تصویری از نمایه ی همگانی پیمان سلاحی در ف. بوک فردی که با همکاری و دستور آریاسب باوند، در آغاز ورودم به سوئد دست به لجن پراکنی و دروغ زنی و وارد کردن اتهام به من کرد

"محمد صالحی بختیاری" نیز که پیش از رسوایی مزدور بودن آریاسب باوند، در پی یک اختلاف از وی جدا شده بود، پیشتر علیه من و با هوچی گری آریاسب باوند و یکی از همکارانش به نام "پیمان سلاحی" ساکن سوئد، در آغاز ورودم به سوئد، علیه من دست به هوچی گری تبلیغاتی و زهر پاشی زدند تا بلکه در روند پرونده ی پناهندگی من در این کشور اخلال ایجاد کرده باشند که البته تیرشان به سنگ خورد.



داریوش کوشکی مسئول امنیت پیشین حزب اتحاد شوراهای استانی به سرکردگی آریاسب باوند، هم اکنون یکی از هموندان فرقه ی فرشگرد است که همگی از دم از اصلاح طلبان حکومتی می باشند!!

داریوش کوشکی نیز که مسئولیت امنیتی حزب اتحاد شوراهای را در آلمان بر عهده داشت، به علت شرکت در تجمع اعتراضی روبروی رایزنی عربستان دستگیر شده و با یک پرونده سازی حکومتی، به عنوان پناهنجوی سیاسی به اروپا صادر می شود. تا پیش از آنکه آریاسب باوند وی را به همکاری با خود و حزب خودخوانده اش فراخواند، وی هتا یک دقیقه را هم علیه رژیم دست به فعالیت نزده بود و کوچک ترین اقدامی در راستای براندازی رژیم ننموده بود. وی هم اکنون یکی از مزدوران فرشگرد می باشد!!

رضا ضرابی پس از آنکه از سوی تلوزیون رژیم اعلام شد که آریاسب باوند دستگیر شده است، هتا به بدگویی از وی پرداخت و ذهنیت تربیتی خود را آشکار ساخت و امروز با دگرش نام خود به "کورش ضرابی"، به احدی در آن مورد پاسخگو نیست. آقای صالحی بختیاری نیز در پی اختلافی که با وی پیدا کرد، از وی پیش از دستگیری فرضی آریاسب باوند، جدا شده بود. علی حسن نیا که جنبش اینترنتی "افسران سبز نیروی انتظامی" را راه انداخته بود، از وی جدا شد و به فعالیت های انفرادی خود ادامه داد.

رضا ضرابی در واقع نقش یک ترول حقیقی را نیز بازی می کرد و یکی از کارهایی که او انجام می داد، درج و انتشار اخبار نادرست و دروغ بود که به منظور هوچی گری رسانه ای انجام می داد که دو نمونه ی آن را در پایین می بینید.



دروغگویی و انتشار اخبار زرد و جعلی از سوی رضا) کوروش (ضرابی از سرکردگان حزب کزایی اتحاد شوراهای استانی به سرکردگی آریاسب باوند



دزدی ادبی رضا) کوروش (ضرابی از نوشته های دیگران و انتشار آنها به نام خود. وی در حالی دست به چنین تخلفاتی می زده که یکی از سرکردگان حزب کزایی اتحاد شوراهای استانی به سرکردگی آریاسب باوند بوده است

مجموعه مقالاتی که درباره ی آریاسب باوند منتشر کرده ام، در این نشانی قابل دسترسی هستند.

اکنون با توجه به همه ی موارد بالا، اینگونه ارزیابی می کنم که انتشار خبری در رسانه ی حکومتی جمهوری اسلامی) ایرانا (مبنی بر حکم زندان ۲۲ ساله ی وی، خبری دروغ است و آن را در زیر مجموعه ی ترفند انحراف افکار و" پادانا)" پادمان پاد داده (Disinformation Protocole) (که به منظور جا انداختن دروغ به عنوان حقیقت انجام می گیرد. آریاسب باوند به باور من نه تنها دستگیر نشده که هم اکنون نیز زندانی نیست و رژیم با این خبر جعلی تلاش دارد او را از حیطه ی کنجکاوی خارج نماید.



در واقع آریاسب باوند بنا به اعتراف خود رژیم در قالب زبان تنی و نمایش محیط، آنست که وی نیز یک مهره ی اطلاعاتی دیگری رژیم به مانند" غلامرضا مدحی "معروف به" الماس فریب "بوده است، با این تفاوت که من از وی به عنوان" پهن فریب "یاد می کنم. نکته ی جالب آنجاست که گفتگوی اطلاعات رژیم با هر دوی آنها، در اتاقی یکسان و با چیدمان تقریبی یکسان انجام شده است.



در پایان نیز، شما را با پرسش هایی درباره ی آریاسب باوند جلب می کنم که پیشتر از سوی" بهنام منصوری "پرسیده شده اند:

۱. چه دلیلی وجود دارد فردی ناشناخته در میان مردم که خود را لیدر می نامد، بخواهد مستقیم وارد میدان) کشور (شود ؟ مگر اثرگذاری او چه قدر وسعت خواهد داشت ؟
۲. حال که قرار است این فرد مستقیم وارد کشور شود، چه دلیلی وجود دارد که ورود خود به یک کشور امنیتی را در بوق و کرنا کند ؟ مگر قرار است دستگیر نشود و زیر شکنجه نرود ؟
۳. طبق گفته ی صفحه ی فیس بوک حزب اتحاد، شاهپرک پناه که به همراه باوند وارد ایران شده بود، " پس ۴۰ روز از دستگیری، به بند عمومی اوین منتقل شده و سپس با قید وثیقه آزاد شده"، اما تاکنون تماسی با خارج از کشور نگرفته است؛ آیا همین موضوع خود گواهی از تمام شدن ماموریت این افراد نیست ؟
۴. آیا پروژه ی جدید وزارت اطلاعات در میان اپوزیسیون حول بازیابی نیروهای نفوذی، تنظیم و طراحی شده و دیگر مانند گذشته) پروژه ی مدحی (قرار نیست افراد پس از بازگشت به خانه، تبدیل به مهره ی سوخته شوند ؟
۵. چند نفر دیگر مانند مدحی و آریاسب باوند در میان اپوزیسیون نفوذ کرده و در روند مبارزه علیه رژیم ایجاد اختلال می کنند ؟
۶. دیگر تاکتیک های وزارت اطلاعات برای نفوذ میان اپوزیسیون چه خواهد بود ؟

آیا باید تا ۱۴۱۹ فرار خورشیدی برابر با ۲۰۳۹ میلادی، منتظر دیدن دوباره ی آریاسب باوند باشیم، یا اینکه او هم اکنون در نیروهای اطلاعاتی رژیم مشغول فعالیت است ؟!

[داریوش افشار](#)